

«بررسی میزان پیشوندی بودن و پسوندی بودن وندهای تصریفی در کردی ایلامی»

محمدرضا فاطمی مقدم سقی^۱، فرشاد میرزایی مطلق^۲

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

چکیده:

مقولات تصریفی در زبان های مختلف می توانند بصورت تحلیلی و یا ترکیبی و گاهی با استفاده از هردو روش بازنمایی شوند. منظور از ترکیب در اینجا استفاده از وند (وندافزایی) است. بنابراین، ممکن است مقولات تصریفی بصورت پسوندی یا پیشوندی ظاهر شوند. در پژوهش حاضر، هدف تعیین رده زبان بر اساس نحوه آرایش وندهای تصریفی است. بنابراین، در قدم اول نمایه پیشوندی و پسوندی بودن زبان کردی ایلامی مورد توجه قرار خواهد گرفت. بر این اساس نمایه وندی زبان کردی گویش ایلامی نیز مشخص می شود. سپس وضعیت این زبان با دیگر زبانهای دنیا از لحاظ نحوه بازنمایی مقولات تصریفی مورد بحث قرار خواهد گرفت. داده های این پژوهش بصورت میدانی و از طریق مصاحبه با گویشوران بومی زبان کردی ایلامی بدست می آیند. در مجموع روش بازنمایی ۱۱ مقوله تصریفی مورد بررسی قرار گرفته اند. پژوهش نشان داد که کردی ایلامی با کسب نمایه ی وندی ۱۰، دارای صرف قوی است. همچنین، این زبان با کسب نمایه پسوندی ۹۰ درصد، به عنوان یک زبان پسوندی غالب طبقه بندی می شود. نهایتا نتایج نشان داد که زبان کردی ایلامی عمدتا از روش وندافزایی (ترکیبی) برای بازنمایی مقولات تصریفی بهره گرفته است. نتایج این پژوهش می تواند در تهیه اطلس های رده شناختی جهانی اطلاعات مهمی در طبقه بندی این زبان در اختیار محققان قرار دهد.

کلمات کلیدی: رده شناسی، صرف، نمایه وندی، نمایه پیشوندی، نمایه پسوندی، کردی ایلامی

۱. بیان مسأله

تصریف و اشتقاق مهمترین فرایندهای صرفی در زبان هستند که بسته به رده زبان کمتر یا بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند. اشتقاق برای وضع واژه های جدید با فرایند وندافزایی صورت می گیرد. بوسیله اشتقاق می توان از یک ریشه با افزودن وند به صورتهای جدید دست یافت. در اشتقاق عمدتا مقوله واژه مشتق از مقوله ریشه متفاوت است، اگرچه لزوما فرایند اشتقاق منجر به تغییر مقوله نمی شود. در مقابل تصریف عمدتا منجر به تغییر مقوله ستاک^۱ می گردد. مقولات تصریفی نیز بسته به رده زبان می توانند بصورت تحلیلی^۲ و یا ترکیبی^۳ و گاهی با استفاده از هردو روش بازنمایی شوند. منظور از ترکیب در اینجا وندافزایی است. بنابراین، ممکن است مقولات تصریفی بصورت پسوندی یا پیشوندی ظاهر شوند. همانطور که گفته شد، مفاهیم تصریفی ممکن است به روش های دیگر از قبیل تحلیلی، میان وندافزایی، تغییر ستاک یا واکه، نواخت^۴، نوا و غیره بازنمایی شوند که خارج از قلمرو مطالعه حاضر است. موضوع دیگر در نحوه بازنمایی وندی، میزان شفافیت یا درهم تنیدگی وندهای تصریفی است. از این لحاظ گاهی مرز وندهای بیانگر تصریف مشخص نیست و ممکن با ریشه درهم تنیده باشند، این زبانها را زبانهای همجوشی^۵ می گویند. زبان روسی نمونه ای از این زبانهاست. از طرف دیگر، ممکن است مرز وندها با ریشه کاملا مشخص باشد. در این زبانها، تکواژها بصورت متوالی بدنبال هم قرار می گیرند. این زبانها اصطلاحا به زبانهای پیوندی^۶ موسوم هستند. زبان ترکی و مجاری نمونه هایی از این رده زبانی هستند. در پژوهش حاضر، هدف هدف تعیین رده زبان بر اساس نحوه آرایش وندهای تصریفی است. بنابراین، در قدم اول نمایه پیشوندی^۷ و پسوندی بودن^۸ زبان کردی ایلامی مورد

¹ Stem change

² Analytic

³ Synthetic

⁴ Tone

⁵ Fusional

⁶ Agglutinative

⁷ Prefixing index

⁸ Suffixing index



توجه قرار خواهد گرفت. سپس وضعیت این زبان با دیگر زبانهای دنیا از لحاظ نحوه بازنمایی مقولات تصریفی مورد بحث قرار خواهد گرفت. مقولات تصریفی زیر در این مطالعه مورد بررسی قرار می گیرند:

۱. حالت نماهای اسمی ۲. پایانه های فاعلی ضمیری بر روی فعل ۳. وندهای بیان زمان - نمود بر روی فعل ۴. وندهای بیانگر شمار بر روی اسم ۵. وندهای ضمیری بیان مالکیت بر روی اسم ۶. وندهای بیانگر معرفگی و نگرگی بر روی اسم ۷. ضمائر مفعولی متصل بر روی فعل ۸. نشانه ی نفی بر روی فعل ۹. وندهای پرسشی بر روی فعل ۱۰. وندهای قیدی وابسته ساز بر روی فعل ۱۱. نشانه مجهول بر روی فعل

۲. روش تحلیل داده ها

تشخیص پیشوندی بودن یا پسوندی بودن زبان ها بدین ترتیب است که برای هر وندی که بصورت پیشوند بکار می رود، یک امتیاز برای نمایه پیشوندی آن زبان لحاظ می شود. به همین ترتیب برای هر وندی که بصورت پسوند بکار می رود یک امتیاز در نمایه پسوندی آن زبان ثبت می گردد. اگر برای بیان یک مفهوم تصریفی، در زبانی هم از پیشوند و هم از پسوند استفاده شود بدون اینکه هیچکدام غالب باشند، نیم امتیاز برای آن زبان در نمایه پیشوندی و نیم امتیاز در نمایه پسوندی ثبت می گردد. برای سه مقوله نخست بخاطر اهمیت آنها نسبت به دیگر مقولات دو امتیاز در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب که اگر زبانی در هر کدام از سه مقوله ی نخست از پیشوند بهره بگیرد دو امتیاز در نمایه پیشوندی آنها ثبت می گردد. استفاده از پسوند برای بیان سه مقوله ی تصریفی نخست به معنای ثبت دو امتیاز در نمایه ی پسوندی آن زبان است. اگر برای همین ۳ مقوله زبانی هم از پسوند و هم از پیشوند بهره بگیرد، بدون اینکه هیچکدام غالب باشند، در نمایه پسوندی و پیشوندی آن زبان یک امتیاز لحاظ می شود. به مجموع نمایه ی پیشوندی و پسوندی هر زبانی نمایه ی وندی اطلاق می گردد. نکته دیگر در مورد روش تحلیل داده ها این است که اگر زبانی دارای یک پسوند واحد برای بیان زمان - نمود باشد، امتیازی که برای آن ثبت می شود برابر است با زبانی که دارای چندین وند برای بیان همین مفهوم است و نکته آخر اینکه وندهای اشتقاقی در این مطالعه لحاظ نشده اند.

مثلاً در مورد زبان نواولو^۱ (اندونزی)، این زبان از ضمائر متصل فاعلی بر روی فعل بصورت پیشوندی استفاده شده است، لذا ۲ امتیاز در نمایه پیشوندی آن ثبت می گردد، و نشانه ی جمع را بصورت پسوندی بر روی اسم استفاده کرده است، لذا یک امتیاز در نمایه ی پسوندی آن ثبت می شود.

اما در مورد ضمائر متصل بیانگر مالکیت، این زبان هم از پسوند و هم از پیشوند بدون حالت غالب استفاده کرده است، لذا در نمایه پیشوندی و پسوندی این زبان نیم امتیاز لحاظ می شود.

مثال (۱)

Nuauulu (Bolton 1990: 45, 54)

- | | | |
|----|----------------------------|----------------|
| a. | <i>i-au-sipu</i> | <i>api-a</i> |
| | 3sg-caus-get.down | thing-pl |
| | 'She put down her things.' | |
| b. | <i>Au</i> | <i>we-topi</i> |
| | 1sg | 1sg.poss-hat |
| | 'my hat' | |
| c. | <i>unu-e</i> | |
| | head-3sg.poss | |
| | 'his head' | |

زبان نواولو دارای ضمائر متصل مفعولی بصورت وند می باشد ولی چون با فعل نیامده اند، لذا در اینجا برای تعیین رده ی این زبان مورد استفاده قرار نگرفته اند. برای دیگر مقولات تصریفی فوق، زبان نواولو دارای وند تصریفی نیست و بنابراین در مجموع این زبان برای نمایه ی پیشوندی آن امتیاز ۲/۵ و برای نمایه پسوندی آن امتیاز ۱/۵ بدست آمده است. امتیاز کلی بدست آمده در نمایه ی وندی این زبان ۴ است که ۶۲/۵ درصد آن متعلق به نمایه ی پیشوندی است و مابقی متعلق به نمایه ی پسوندی. بر این اساس، این زبان دارای "تمایل پیشوندی ملایم" است.

۳. چارچوب نظری

¹ Nuauulu



نمودار زیر حالت های مختلف پیشوندی و پسوندی را در مقولات تصریفی نشان می دهد. هدف پژوهش حاضر تعیین رده زبان کردی گویش ایلامی بر اساس جدول زیر می باشد. به عبارت دیگر، می خواهیم بدانیم که زبان کردی ایلامی به کدام رده زبانی تعلق دارد.

جدول (۱) فراوانی زبانهای دنیا بر اساس میزان پسوندی و پیشوندی بودن وندهای تصریفی

فراوانی	رده زبانی	
۱۴۱	زبان های فاقد تصریف پیشوندی و پسوندی	۱
۴۰۶	زبان نهائی با تمایل پسوندی غالب	۲
۱۲۳	زبان هائی با تمایل پسوندی ملایم	۳
۱۴۷	زبان هائی با میزان پیشوندی و پسوندی برابر	۴
۹۴	زبانهای دارای تمایل پیشوندی ملایم	۵
۵۸	زبان هائی با تصریف پیشوندی غالب	۶
۹۶۹	مجموع	

در جدول فوق، «زبان های فاقد تصریف پیشوندی و پسوندی» یا «دارای تصریف پیشوندی یا پسوندی ضعیف» به زبانی گفته می شود که مجموع نمایه ی وندی آن ۲ یا کمتر باشد. زبان تائی نمونه ای از این رده می باشد که بطور کلی فاقد هر وندی برای بیان مقولات تصریفی فوق است. اما زبان وایی^۱ (ولمرز^۲، ۱۹۷۹) که فقط دارای پسوند بیانگر زمان - نمود است نمونه ای از زبان های دارای تعریف پیشوندی یا پسوندی ضعیف محسوب می شود.

نمایه ی وندی این زبان عدد ۲ است. اگرچه در این زبان برای بازنمائی مقولات تصریفی ممکن است از فرایندهای دیگری مانند میان وند افزائی، نواخت و تغییرات ستاک بهره گرفته شود که در قلمرو این مطالعه نیستند. بنابراین، این زبان به عنوان «زبانی با تصریف پیشوندی یا پسوندی ضعیف» طبقه بندی می شود اگر چه از وندافزائی بصورت دیگر استفاده می نماید. نمونه ای دیگر از این رده، زبان دینکا^۳ (نیبل^۴، ۱۹۴۸) در سودان است که برای بیان حالت و شمار از تغییر ستاک بهره می گیرد، اما برای بازنمائی مقولات تصریفی فوق بصورت پسوند و یا پیشوند فقط از پسوند معرفگی و پسوند مالکیت بهره می گیرد که برای این زبان نمایه ی وندی ۲ را بدست می دهد، یعنی زبانی با تعریف پیشوندی یا پسوندی ضعیف.

برای بقیه رده های زبانی، نمایه ی وندی باید از ۲ بزرگتر باشد.

در نمودار فوق، «زبان هائی با تمایل پسوندی غالب» رده ای از زبان ها را شامل می شوند که نمایه ی پسوندی آنها بیش از ۸۰ درصد از نمایه ی وندی آنها را تشکیل داده باشد. دو زبان وست گرین لندیک^۵ (فورتسکیو^۶، ۱۹۸۴) و زبان یوپیک^۷ (الاسکا؛ رید و دیگران^۸، ۱۹۷۷) که هر دو زبانهای اسکیمویایی هستند در این رده قرار می گیرند با ثبت نمایه ی پسوندی ۱۱. همانطور که در بخش بعدی خواهیم دید زبان کردی ایلامی با ثبت نمایه ۱۰ در این رده جای می گیرد.

برای مقولات تصریفی فوق، ایندو زبان منحصرأ پسوندی هستند. البته زبانی ممکن است از وندافزائی خیلی استفاده نکند، اما جزء این رده باشد. دلیل آن هم این است که برای تعیین رده ی زبان بصورت پیشوندی یا پسوندی، درصد میزان پیشوندی و یا پسوندی بودن را از مجموع نمایه ی وندی محاسبه می کنند. برای مثال زبان کورانا (مینهوف^۹، ۱۹۳۰) زبانی از جنوب آفریقا دارای نمایه ی وندی ۳ است که ۲ امتیاز برای پسوند حالت و یک امتیاز برای پسوند شمار کسب کرده است و هیچ امتیازی برای پیشوندافزائی تصریفی کسب نکرده است. بنابراین، این زبان دارای تمایل پسوندی غالب است ولی بطور کلی از فرایند وندافزائی زیاد بهره نمی گیرد.

¹ Vai

² Welmers

³ Dinka

⁴ Nebel

⁵ West Greenlandic

⁶ Fortescue

⁷ Yupic

⁸ Reed et al.

⁹ Meinhof



رده ی سوم به «زبان هائی با تمایل پسوندی ملایم» موسوم هستند. نمایه ی وندی این زبانها بیشتر از ۶۰ درصد و کمتر از ۸۰ درصد است. بیجا^۱ زبانی از خانواده ی زبانهای کوشیتیک^۲ در سودان نمونه ای از این رده ی زبانی است که دارای نمایه ی پسوندی ۱۰ و نمایه ی پیشوندی ۳ (بنابراین دارای نمایه ی پسوندی ۷۷ درصد از مجموع نمایه ی وندی است). نمونه ای دیگر از این زبان ها که دارای وندافزائی ضعیف است زبان موکیلی (هرسیون و آلبرت^۳، ۱۹۷۶) از خانواده ی زبانهای اوشینیک^۴ است که دارای نمایه ی پسوندی ۲ و پیشوندی یک است.

رده ی چهارم زبان هائی هستند که به «زبان هائی با میزان پیشوندی و پسوندی برابر» موسوم هستند. نمایه ی وندی این زبان ها بیشتر از ۴۰ درصد و کمتر از ۶۰ درصد است. اوبیخ زبانی از خانواده ی زبانهای قفقازی شمال غربی در ترکیه (چارا چیدزه^۵، ۱۹۸۹) که دارای وندافزائی تصریفی بسیار غنی است در این رده قرار می گیرد، نمایه ی پسوندی و نمایه ی پیشوندی این زبان هر کدام ۵/۵ است (بنابراین نمایه ی وندی ۵۰ درصد است). کربیاتی زبانی از خانواده ی زبان های اوشینیک (گروفس و دیگران^۶، ۱۹۸۵) در همین رده قرار می گیرد با این تفاوت که دارای وندافزائی ضعیف است. نمایه ی پسوندی و پیشوندی این زبان هر کدام ۲ و بنابراین دارای نمایه ی وندی ۵۰ درصد است.

«زبان هائی دارای تمایل پیشوندی ملایم» رده ی پنجم را تشکیل می دهند. در این زبان های نمایه ی پیشوندی بیشتر ۶۰ درصد و کمتر از ۸۰ درصد می باشد. نمونه ای از این زبان ها با وندافزائی زیاد زبان موهاوک زبان از خانواده ی ایروکویین^۷ در ایالت انتاریو است (بونویلین^۸، ۱۹۷۳). نمایه ی پیشوندی این زبان ۶ و نمایه ی پسوندی ۳ است، زبان آو از خانواده ی زبانهای توری سلی در پاپوا گینه نو (اسکورزا^۹، ۱۹۸۵) نمونه ای از این رده ی زبانی است که دارای وندافزائی و صرف ضعیف است (با نمایه ی پیشوندی ۲ و نمایه ی پسوندی ۱). زبان نواولو که در بالا مورد بحث قرار گرفت نیز در این رده جای می گیرد.

آخرین رده «زبان هائی با تعریف پیشوندی غالب» است که به عنوان زبان هائی شناخته می شوند که نمایه ی پیشوندی آنها بیشتر از ۸۰ درصد است. زبان هوند از خانواده ی زبانهای بانتو در جمهوری دموکراتیک کونگو (کاهومبو^{۱۰}، ۱۹۹۲) دارای نمایه ی پیشوندی ۹/۵ است. این زبان کاملاً پیشوندی نیست، زیرا مقوله ی مالکیت هم بوسیله ی پیشوند و هم بوسیله ی پسوند بدون حالت غالب بیان می شود (بنابراین نیم امتیاز به نمایه ی پسوندی تعلق می گیرد. در این رده نیز ما شاهد زبانهائی هستیم که دارای وندافزائی و فرایندهای صرفی اندکی هستند، اما نمایه ی وندی آنها بیشتر از ۲ است. زبان سانگو از خانواده ی زبان های ادموا-یوبانگی^{۱۱} در کشور نیجر و کونگو (سامارین^{۱۲}، ۱۹۷۶) نمونه ای از این نوع زبان هاست. این زبان دارای نمایه ی وندی ۳ (ضمائر پیشوندی ۲ امتیاز و نشانه ی جمع پیشوندی یک امتیاز) است.

۴. تحلیل داده های کردی و نتایج:

اولین مقوله ی تصریفی حالت است که در زبان کردی ایلامی بصورت صرفی نمود ندارد یعنی نشانه صرفی خاصی در این زبان ندارد. به عبارت دیگر، یک گروه اسمی در حالت های مختلف فاعلی، مفعولی، ملکی، منادایی و غیره دارای صورت صرفی ثابت است. بنابراین، در نمایه ی پسوندی یا پیشوندی کردی امتیازی برای حالت ثبت نمی شود. حالت های دستوری ممکن است بوسیله ابزارهای دیگری مانند ترتیب واژگانی یا مطابقه بیان شود (گیون، تالمی^{۱۳}، ۲۰۰۱). این موضوع خارج از قلمرو مطالعه حاضر است.

ضمائر متصل فاعلی بصورت پسوندی بر روی فعل ظاهر می شوند، بنابراین دو امتیاز در نمایه ی پسوندی این زبان لحاظ می شود.

در مثال زیر ضمائر متصل فاعلی مشخص شده اند:

در زمان حال:

جمع	مفرد	
x wa – im	x wa – m	اول شخص
x wa – in	x we – i	دوم شخص

¹ Beja

² Cushitic

³ Harrison and Albert

⁴ Oceanic

⁵ Charachidze

⁶ Groves et al.

⁷ Iroquoian

⁸ Bonvillain

⁹ Scorza

¹⁰ Kahombo

¹¹ Adamawa-Ubangi

¹² Samarini

¹³ Givon, Talmy



x wa - n	x we - d	سوم شخص
----------	----------	---------

و در زمان گذشته :

x war - d - əm	x war - d - im
x war - d - i	x war - d - in
x wer - d -	x war - d - ən

نشانه ی زمان گذشته نیز بصورت پسوندی بر روی فعل قرار می گیرد، لذا در اینجا نیز دو امتیاز دیگر به نمایه ی پسوندی زبان کردی ایلامی اضافه می شود. در مثال فوق [- d] پسوند زمان گذشته محسوب می شود. البته در زبان کردی بغیر از پسوندافزائی برای بیان مقوله ی تصریفی زمان - نمود از ابزارهای دیگری مانند تغییر ستاک و تغییر مصوت نیز استفاده می شود که خارج از قلمرو مطالعه ی حاضر است. مقوله ی تصریفی چهارم شمار است. در کردی ایلامی از علامت جمع [- eil] که بصورت پسوندی بکار می - رود برای نشان دادن شمار استفاده می گردد.

مثال :

kwar - eil , d̄wat - eil , menal - eil

بنابراین در اینجا نیز یک امتیاز دیگر در نمایه ی پسوندی زبان کردی ایلامی ثبت می گردد.

مقوله ی تصریفی پنجم که در کردی مورد بحث قرار می گیرد ضمائر ملکی هستند که دوباره بصورت پسوندی مورد استفاده قرار می گیرند.

مثال :

menal - əm	menal - man
menal - əd	menal - dan
menal - e	manal - yan

همانگونه که مشاهده می شود ضمائر ملکی بصورت پسوندی بکار می رود (یک امتیاز دیگر به نمایه ی پسوندی تعلق می گیرد). مقوله ی تصریفی بعدی معرفگی / نگرگی می باشد. این مقوله در کردی ایلامی بصورت صرفی و با استفاده از پسوند تصریفی بازنمائی می شود.

مثال :

manal - eg (ب)	menal - aga (الف)
ketaw - eg	ketaw - aga

در این زبان ، پسوند تصریفی [- aga] بیانگر معرفگی است و پسوند [- eg] بیانگر نگرگی. بنابراین یک امتیاز دیگر در نمایه ی پسوندی زبان کردی ایلامی اضافه می شود.

مقوله ی تصریفی هفتم که در اینجا مورد بررسی قرار می گیرد ضمائر متصل مفعولی هستند. در این زبان این ضمائر همراه با فعل بصورت پسوندی بکار می روند. در مثال پایین، ضمائر متصل مفعولی با تاپ برجسته و ضمائر متصل فاعلی با تاپ شکسته مشخص شده اند.

مثال :

dün - əm - ad	dün - əm - adan
dün - id - am	dün - in - aman
dün - əm - ə	dün - əm - an

در اینجا یک امتیاز دیگر برای نمایه ی پسوندی زبان کردی ایلامی اضافه می شود. نفی نیز به عنوان یک مفهوم دستوری شده بصورت تصریفی و با استفاده از پیشوند افزائی در زبان کردی ایلامی بیان می شود. پیشوند [nia] بیانگر نفی است.

مثال :

nia-chəm	nia-zanəm	nia-aad
	معلوم (زمان گذشته)	مجهول (زمان حال)
	xwar - d	xwar - ya
	bar - d	bar - ya

بنابراین، یک امتیاز دیگر به نمایه ی پسوندی زبان کردی ایلامی اضافه می شود.

دو مقوله ی آخر از مفاهیم تصریفی فوق در مورد کردی ایلامی وجود ندارند بنابراین مورد مطالعه قرار نمی گیرند. به طور خلاصه و با توجه به تحلیل داده های فوق می توان نتایج زیر را در مورد کردی ایلامی بدست داد.



۱- نمایه وندی زبان کردی بدست آمد. نمایه ی وندی کردی ایلامی ۱۰ است. بنابراین، این زبان دارای صرف قوی است. به عبارت دیگر، این زبان برای بیان مقولات تصریفی بیشتر از وندافزایی که فرایندی ترکیبی است استفاده نموده تا از ابزارهای تحلیلی مانند افعال کمکی و وجهی.

۲- با نمایه پسوندی ۹۰ درصد، زبان کردی به عنوان یک زبان پسوندی غالب طبقه بندی می شود (مانند زبان های رده دوم یعنی زبان هایی با تمایل پسوندی غالب). بنابراین، وندافزایی برای بیان مقولات تصریفی در این زبان عمدتاً بصورت پسوندافزایی بوده است تا پیشوندافزایی.

۵. بحث و نتیجه گیری

همانگونه که دیدیم در زبان های دنیا تمایل به طرف بیان مفاهیم تصریفی بصورت پسوندی است. داده های زبان کردی ایلامی نیز از این تمایل تبعیت می کنند. همانگونه که مشاهده شد، زبانهای که تصریف را بصورت پسوندی غالب بازنمائی می کنند، از لحاظ فراوانی با آن چهار رده ی دیگر برابر هستند (۳۸۲ در برابر ۳۹۰). نسبت زبان های پسوندی به زبان های پیشوندی ۷ به ۱ است. به لحاظ توزیع، زبان های دارای تمایل غالب به پسوندی و تمایل ملایم به پسوندی در تقریباً مکان های مشابهی هستند. در منطقه ارواسیا تمایل زبان ها به بازنمائی مفاهیم تصریفی بصورت پسوندی است.

نتایج بدست آمده از تحلیل داده های زبان کردی ایلامی نیز در انطباق با این موضوع است. زبان های اندکی مانند کت، تامیر، و سه زبان تبتی - برمه ای جزء معدود زبان هائی هستند که در این منطقه به پیشوندی بودن تمایل دارند. در این ناحیه، حتی زبان هائی با تمایل برابر برای پیشوندی بودن و پسوندی بودن نیز نادر هستند.

در قاره استرالیا نیز حتی تمایل بالاتری برای پسوندی بودن وجود دارد. در آمریکای جنوبی نیز این تمایل غالب برای بازنمائی مفاهیم تصریفی بصورت پسوندی دیده می شود اگر چه این تمایل به شدت دو منطقه قبلی نیست. در آمریکای شمالی نیز اگر چه زبان های پسوندی بیشتر هستند، اما در مناطق مختلف این قاره الگوهای یکسانی نداریم. مثلاً در شرق این قاره هر دو نوع (یعنی پسوندی و پیشوندی) رایج هستند. در منطقه مزوکمریکا^۱ زبان های پیشوندی غالب هستند. در آفریقا نیز هر دو نوع زبان رایج هستند. در مناطق جنوبی تر این قاره، زبان های پیشوندی بیشتر رایج هستند که عمدتاً از خانواده ی زبان های بانتو هستند. بیشترین زبانهای پیشوندی غالب در آفریقا هستند. زبانهای خانواده ی کوا در غرب آفریقا نیز عمدتاً پیشوندی هستند. در آفریقا و آمریکای شمالی، زبان هائی که تمایل برابر برای بازنمائی مفاهیم تصریفی بصورت پیشوندی و پسوندی دارند نیز یافت می شوند. همانگونه که گفته شد در منطقه اوراسیا که زبان کردی نیز در آنجا واقع شده است، چنین تمایلی دیده نمی شود و زبانهای این منطقه عمدتاً پسوندی هستند. نهایتاً در منطقه جنوب شرق آسیا و استرالیا - آسیا زبانها عمدتاً دارای وندافزایی به صورت پیشوند افزائی و یا پسوند افزائی نیستند و مفاهیم تصریفی به روش های دیگری غیر از وندافزائی بازنمائی می شوند، مثلاً ممکن است از روش های تحلیلی یا تغییر ستاک و نواخت و حتی میان وندافزائی بهره بگیرند تا این مفاهیم دستوری را بازنمائی کنند. زبان هائی مانند تائی، ویتنامی و چینی از این دسته از زبانها هستند که اصطلاحاً مرسوم به زبانهای تحلیلی یا منفرد هستند. البته چنین زبان هائی ممکن است بصورت نادر در استرالیا یا آفریقا نیز یافت شوند.

در پایان سوالی را که می توان مطرح کرد این است که چرا در اکثر زبانهای دنیا از جمله زبان کردی گویش ایلامی، تمایل به تصریف پسوندی وجود دارد. در این رابطه، فرضیه هائی مطرح شده است مثلاً اینکه در زبان های پیشوندی تشخیص واژگانی دشوارتر است، چون پیدا کردن آغاز ستاک مشکلتر می شود، اما وقتی وند بصورت پسوند بکار رود این مشکل وجود ندارد (کوتلر و دیگران، ۱۹۸۶). نکته دیگر اینکه مقولاتی مانند حالت تمایل دارند بصورت پسوندی ظاهر شوند، تقریباً در هیچ زبانی حالت نماها بصورت پیشوندی بکار نمی روند.

۶. کتابنامه:

- Benjamin, Geoffrey. 1976. Austroasiatic Studies 1. (Oceanic Linguistics Special Publication.) In Jenner, P. et al. (ed.) Honolulu: University of Hawaii Press. 129-187pp.
- Bolton, Rosemary Ann. 1990. A Preliminary Description of Nuaulu Phonology and Grammar.
- Bonvillain, Nancy. 1973. A Grammar of Akwesasne Mohawk. (Ethnology Division Paper, 8.) Ottawa: National Museum of Man.
- Bybee, Joan L. and Pagliuca, William and Perkins, Revere D. 1990. On the Asymmetries in the Affixation of Grammatical Material. In William Croft, Keith Denning and Kemmer, Suzanne (eds.), Studies in Typology and Diachrony: Papers Presented to Joseph H. Greenberg on his 75th Birthday, 1-42. Amsterdam: John Benjamins.
- Charachidze, Georges. 1989. Ubykh. In Hewitt, B. George (ed.), The Indigenous Languages of the Caucasus. Volume 2: The Northwest Caucasian Languages, 357-459. Delmar, New York: Caravan Books.
- Cutler, Anne and Hawkins, John A. and Gilligan, Gary. 1986. The Suffixing Preference: a Processing Explanation. Linguistics 23. 723-758.

¹ Mesoqmerica



- Fortescue, Michael. 1984. West Greenlandic. (Croom Helm Descriptive Grammars.) London: Croom Helm.
- Greenberg, Joseph H. 1957. Order of Affixing: a Study in General Linguistics. In Greenberg, Joseph H. (ed.), *Essays in Linguistics*, 86-94. Chicago: University of Chicago Press.
- Groves, Terab'ata R. and Groves, Gordon W. and Jacobs, Roderick. 1985. Kiribatense: An Outline Description. (Pacific Linguistics, Series D, 64.) Canberra: Australian National University.
- Hall, Christopher. 1988. Integrating diachronic and processing principles in explaining the suffixing preference. In John A. Hawkins (ed.), *Explaining language universals*, 321-349. Oxford: Blackwell.
- Harrison, Sheldon and Albert, Salich Y. 1976. Mokilese Reference Grammar. Honolulu: University Press of Hawaii.
- Kahombo, Mateene. 1992. *Essai de grammaire du Kihunde*. (Hamburger Beiträge zur Afrikanistik, 1.) Münster: LIT Verlag.
- Matthew S. Dryer. 2013. Prefixing vs. Suffixing in Inflectional Morphology.
- Meinhof, Carl. 1930. *Der Koranadialekt des Hottentottischen*. Berlin: Verlag Dietrich Reimer (Ernst Vohsen) A. G. (Zeitschrift für Eingeborenen-Sprachen, Beiheft 12. [Reprinted 1969, Nendeln, Liechtenstein: Kraus]).
- Nebel, Arturo. 1948. *Dinka Grammar (Rek-Malual Dialect) with Texts and Vocabulary*. Verona: Missioni Africane.
- Reed, Irene and Miyaoka, Osahito and Jacobson, Steven and Afcan, Paschal and Krauss, Michael. 1977. *Yup'ik Eskimo Grammar*. Fairbanks: Alaska Native Language Center, University of Alaska.
- Reinisch, Leo. 1893. *Die Bedaue-Sprache in Nord-Ost Afrika*. Wien: Tempsky.
- Samarin, William J. 1967. *A Grammar of Sango*. The Hague: Mouton.
- Scorza, David. 1985. *A Sketch of Au Morphology and Syntax*. 63. Canberra: Australian National University.
- Werner, Heinrich. 1997. *Die ketische Sprache*. (Tungusco-Sibirica, 3.) Wiesbaden: Harrassowitz.
- Welmers, William E. 1976. *A Grammar of Vai*. (University of California Publications in Linguistics, 84.) Berkeley: University of California Press.